

بسم الله الرحمن الرحيم

و سر انجام نقاب از چهره وکلای امریکا (اردغان، روحانی و پوتین) در سوریه برداشته شد

این سه چهره وظیفه دارند از حکومت مزدور سوریه به نفع امریکا دفاع نمایند، تا امریکا فرصت داشته باشد به بحران کوریا و چین رسیده گی نماید



(ترجمه)

رؤسای جمهور روسیه، ایران و ترکیه به تاریخ 4 اپریل 2018م، در انقره ترکیه کنار هم جمع شده و بیانیه ای را منتشر نمودند، که هم متن و هم مفهوم آن، به وضوح بیانگر اراده قاطع این سه تن به استفاده از تمام توان شان در محافظت از حکومت مزدور امریکا در سوریه و قرار گرفتن در برابر تحركات مردم شام در جهت برپائی حاکمیت اسلام بود. جزئیات بیشتر قرار ذیل است:

اردوغان: اردوغان از همان ابتدای انقلاب تا کنون پیوسته با مردم شام و انقلابیون آن دغل بازی و نیرنگ کاری می کند؛ چنانچه با به راه اندازی عملیاتی زیر نام سپر فرات، بسیاری از انقلابیون را سرگرم این "سپر" خویش نمود تا زمینه سقوط حلب و تسلیم نمودن آن به حکومت بشار فراهم گردد و چنین هم شد؛ سپس عملیات دیگری را به نام شاخه زیتون راه اندازی نموده و تعداد دیگری از انقلابیون مسلح را به سوی عفرین فرا خواند تا باز زمینه سقوط جنوب ادلب و سپس غوطه شرقی را در دست حکومت بشار فراهم نماید، که بازهم چنان شد، که می خواست. اینک بار دیگر "سپرهای و شاخه های" دیگری را سر مکارش می پروراند تا با استفاده از آن، شمار دیگری از انقلابیون مسلح را به جای دیگری بیرون از ادلب سوق دهد تا باشد که ادلب نیز از دست برود.

روحانی-خامنه‌ای: برکسی پوشیده نیست که ملیشه‌های تا دندان مسلح‌اش، اعم از سپاه، حزب ایران در لبنان و سایر جیره‌خوارانی را که از این‌جا و آن‌جا جمع نموده، در کوه و بیابان سوریه منتشر شده و همه با تمام توان سعی دارند، برای حفاظت از حاکم ظالم شام، بی‌رحمانه مردم را به قتل برسانند.

و اما پوتین: جنایت‌ها و کشتارهای دسته‌جمعی‌اش در سوریه، بر هیچ صاحب چشم‌وگوشی پوشیده نیست؛ البته تفاوت پوتین در این قضیه با اردغان و روحانی در این است که پوتین نیازی به توجیه جنایت‌هایش و نیرنگ ندارد، زیرا او به صراحت با اسلام و مسلمانان دشمنی می‌کند، اما اردغان و روحانی، که با صدای بلند خودشان را مسلمان می‌خوانند، باید برای فریب اذهان مسلمانان از انواع و اقسام نیرنگ و دسیسه استفاده نمایند.

شکی نیست که این سه تن در سوریه، سرگرم تلاش برای جلوگیری از سقوط حکومت مزدور امریکا در این سرزمین استند و برای این کار، از ارتکاب هرگونه جنایت و کشتار وحشیانه‌ای که در توان‌شان باشد-و حتی فراتر از توان خویش- دریغ نمی‌کنند. آنان به خوبی می‌دانند که امریکا در تار و پود حکومت سوریه نفوذ دارد و آنان به نیابت از امریکا می‌جنگند تا فرصت داشته باشد، به بحران‌های شرق آسیا "کورپای شمالی و چین" رسیده‌گی کند. اگر این سه تن اندکی درک و درایت می‌داشتند، نباید چنین وکالتی را می‌پذیرفتند و چنین راهی را می‌پیمودند؛ اما واقعیت این است که شیطان دوستان‌اش را چنان احاطه می‌کند که هیچ چیزی را نمی‌بینند.

با این همه، نباید فراموش نمود که این جنایتکاران، چه این سه حاکم فریب‌خورده و چه خود امریکا که پشت پرده آنان را جهت می‌دهد؛ اگر آن عده از گروه‌های انقلابی فریب‌خورده به سیاست‌های تهدید و تطمیع دشمن، فریب پول‌های کثیف و آلوده دشمن را نمی‌خوردند؛ هرگز موفق نمی‌شدند دست به این همه جنایات زده و تا این حد پیشروی داشته باشند. آری، اگر آن فریب‌خورده‌گان نمی‌بودند، قطعاً دشمنان جنایتکار تا کنون از پای درآمده بودند. اگرچه حزب التحریر از همان نخستین روزهای آغاز انقلاب، پیوسته با تمام توان تلاش نمود، چشم‌وگوش گروه‌های انقلابی فریب‌خورده را به سوی آنچه در ما حول‌شان جریان داشت، باز نماید؛ اما آنان گوش دادن‌شان را به فریبکاران این‌گونه توجیه می‌نمودند: آنان با امکانات و سلاح‌شان از ما حمایت می‌کنند، کاری که حزب از عهده آن بر نمی‌آید و تنها به ارائه نصیحت اکتفاء می‌کند و این نصیحت‌ها به هیچ‌وجه از ما در برابر شمشیر دشمن حفاظت نمی‌کند. بی‌خبر از آن که شمشیر در دست صاحب‌اش دارای دو لبه است؛ اگر حامل آن آگاهانه عمل نماید، این شمشیر از او در برابر دشمن‌اش حفاظت نموده و ابزار مستحکمی برای شکست دادن دشمن خواهد بود؛ اما همین شمشیر در دست فریب‌خورده‌ای که دنبال کمک‌های جنایتکاران می‌دود، ابزاری است که قبل از دشمن، حامل‌اش را از پای درمی‌آورد.

اینک خطاب به آن عده گروه‌های نظامی که از راهنمایی‌های ما سرباز زده و نمی‌پذیرفتند که زیر پوشش فکری ما قرار داشته باشند و می‌گفتند: این‌ها سخنانی است که در میدان جنگ هیچ مشکلی را حل نمی‌کند؛ ما نیاز به کمک‌های مالی و تسلیحاتی داریم و آن را در نزد مسلمانان خائن، اعم از عرب، ترک و فارس و حتی در برخی موارد در نزد روس‌ها و امریکائی‌های جنایتکار می‌یافتند و گمان می‌کردند که گرفتن این مال‌های کثیف از آن کفار و خائنین به هیچ‌وجه مانع جنگیدن‌شان برای دفاع از شما نخواهد شد. ما اینک

خطاب به آنان (گروه‌های نظامی) می‌گوییم: حالا نتیجه آن سخنان و افعال‌تان را به خوبی می‌بینید؛ چنان‌چه شما را وادار به مهاجرت نموده و حتی از خانه و کاشانه‌تان نیز بیرون رانده شدید.

اما نباید فراموش کنیم که با وجود فریب‌هایی که برخی‌ها دیروز خوردند و با وجود وضعیتی که امروزه داریم، باز هم این امت هرگز به خواست الله سبحانه و تعالی شکست نخواهد خورد؛ زیرا روزگار همواره در تغییر است و این امت بارها با چنین مشکلاتی و حتی شدیدتر از آن دست و پنجه نرم نموده، چنان‌چه با صلیبیان و تاتارها، که یک‌بار دیگر به پا خواستند و آنان را ریشه‌کن نموده و جهان را مجدداً رهبری نمود. شاید برخی بگویند: دلیل بیداری مجدد امت و شکست دادن دشمن در آن زمان این بوده که حاکمیت اسلام در آن زمان برپا بود و خلافت، اگرچه ضعیف شده بود، باز هم وجود داشت و مسلمانان کسی را داشتند که آنان را کنار هم جمع نموده و علیه دشمن انسجام بخشد و حق را برپا و باطل را نابود نماید؛ اما امروزه اسلام حاکمیتی ندارد و خلافت برپا نیست، پس چه کسی مسلمانان را برای جنگیدن با دشمن جمع خواهد نمود؟ این سخنی است دقیق و پرسشی است کاملاً مطابق واقعیت، اما بخش دیگر واقعیت اینست که کار برای تأسیس خلافت با قوت تمام در جریان بوده و در حال حاضر، تبدیل به خواسته‌ی اساسی مسلمانان در بسیاری از سرزمین‌ها گردیده و در گفتار و کردار خویش از آن حمایت می‌کنند و تلاش دارند آن روزهای سیاهی را که امت در 26، 27 و 28 رجب 1342 هـ.ق تجربه نمود، روزهایی که شاهد دسیسه‌ها و جنایت‌هایی بود که منجر به سقوط خلافت گردید، تلاش دارند تا آن روزها را معکوس نموده و روزهای روشنی را با تأسیس مجدد خلافت در زمانی برگردانند که الله سبحانه و تعالی آن را پیشاپیش تعیین نموده و این‌کار برای الله عزیز و توانا دشوار نیست. آنگاه است که ظالمان، خائنان و جنایتکاران به واقعیت اعمال‌شان پی‌برده و خواهند دید که چه روزگار سخت و دشواری در انتظارشان به سر می‌برد!

ای مسلمانان! آگاه باشید که این سه خائنی که از هیچ‌گونه دسیسه و جنایتی در حق سوریه کوتاهی نکرده‌اند، چه کافر و چه مسلمان شان (اردغان، روحانی و پوتین)، آنان هرگز به خاطر جنایت‌ها و کشتار بی‌رحمانه‌ای مردم شام، روی آرامش و آسوده‌گی خاطر را نخواهند دید و عذاب دردناک از جایی به سراغ‌شان خواهد آمد که هرگز انتظار آن را نداشته باشند. درست مانند یاران و هم‌فکران شان، که در گذشته باعث ابتلای سخت مردم سرزمین شام شده و سپس هلاک گردیدند، اینک نیز تاریخ تکرار شده و اینان همانند گذشته‌گان‌شان به خواست الله سبحانه و تعالی به درک واصل خواهند شد.

﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾

[طلاق: 3]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) فرمانش را به انجام رسانده است. به راستی الله (سبحانه و تعالی) برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است. در اخیر، روی سخن مان با لشکرهای مسلمانان است که در فرارگاه‌های‌شان خوابیده‌اند: ما از واقعیت شما سخت در تعجبیم؛ هرگاه حکام خائن شما را به کشتن مسلمانان دستور دهند، فوراً دست به کار می‌شوید، اما هرگاه مسلمانان شما را به کمک و دفاع از خویش فراخوانند، از آنان و جنایت‌هایی که در حق‌شان صورت می‌گیرد، چشم‌پوشی نموده و روی برمی‌گردانید و به‌سان مرده‌گان

سکوت اختیار می‌کنید. دلیلی را که ارائه می‌کنید، اطاعت از فرماندهان تان است، در حالی که اطاعت نمودن از چنین سران و فرماندهانی، راهی است آشکارا به سوی منفور شدن در دنیا و عذاب دردناک در آخرت، که آنگاه به هیچ‌وجه از شما دفاع نخواهند نمود، حتی اگر شما برای دفاع از آنان دست به کشتارهای بی‌شمار زده و خودتان در دفاع از آنان کشته شوید؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾

[احزاب: 66-67]

ترجمه: روزی که چهره‌های‌شان را در آتش زیر و رو می‌کنند، می‌گویند: ای کاش ما الله (سبحانه و تعالی) را فرمان می‌بردیم و پیامبر او (صلی الله علیه و سلم) را اطاعت می‌کردیم. پروردگارا ما رؤسا و بزرگ‌تران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.

اما با وجود همه، باید گفت که شما هنوز فرصت دارید تا غفلت‌ها و اعمال گذشته‌تان را با نصرت دادن دین الله سبحانه و تعالی، جبران نمایید و برای اعاده حاکمیت اسلام در زمین سعی و تلاش کنید؛ روابط خویش با ظالمان و منافقان و کفار استعمارگر قطع نمایید تا شاید این کار کفاره‌ای به اعمال گذشته‌تان باشد؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾

[طه: 20]

ترجمه: و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راه‌سپر شود.

سخن دیگر مان متوجه عامه مسلمانان است که مبادا از رحمت الله سبحانه و تعالی ناامید شوید! سرزمین شام هم‌چنان سرزمین شام باقی خواهد ماند؛ زیرا این شام به فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم، مرکز و پایگاه اصلی دار اسلام است:

احمد در مسندش از جبیر بن نفیر روایت نموده که سلمه بن نفیل به آنان گفت: من نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفتم و وی به من فرمود:

«أَلَا إِنَّ عَقْرَ دَارِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّامُ»

ترجمه: آگاه باش که مرکز اصلی دار اسلام، شام است.

و در روایت دیگری از نعیم بن حماد و وی از کثیر بن مره پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«عَقْرُ دَارِ الْإِسْلَامِ بِالشَّامِ»

ترجمه: مرکز اصلی دار اسلام، شام است.

آخرین سخن این است: شک نکنید که حزب التحریر پیشگامی است که هرگز به دنباله‌روان‌اش دروغ نمی‌گوید، همگام و در میان امت به راه و فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد، به فضل و مرحمت الله سبحانه و تعالی هم‌چنان برحق ثابت و استوار باقی خواهد ماند و فکرة و طرقة‌اش را هرگز تغییر نداده و تغییر نخواهد داد؛ زیرا از حقانیت آن مطمئن است، به قدرت پروردگارش تکیه نموده و عزت را در دین خویش جستجو می‌کند و از الله سبحانه و تعالی عاجزانه می‌طلبد تا وعده‌اش را با دست‌ان حاملین این حزب محقق نماید، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ...﴾

[نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد، همان‌گونه کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین (خود) قرار داد... .

و بشارت رسول الله صلی الله علیه و سلم برای حزب و حاملین آن و تمام مسلمانان جهان تحقق پیدا نماید؛ ابوداود طیالسی به نقل از حذیفه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«...ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبِيِّ»

ترجمه: ... سپس حکومت جبری بوده و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، باقی خواهد ماند؛ سپس هرگاه خواست آن را از میان برمی‌دارد، سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

راوی می‌گوید: رسول الله پس از گفتن این سخن، سکوت نمود. احمد این چنین روایت نموده:

«... ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ نَبِيِّ نَبِيِّ ثُمَّ سَكَتَ.»

ترجمه: ... سپس حکومت جبری بوده و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، باقی خواهد ماند؛ سپس هرگاه خواست آن را از میان برمی‌دارد، سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود و پس از آن سکوت نمود.

حزب مطمئن است که نصرت الله سبحانه و تعالی سر انجام فرا خواهد رسید و الله سبحانه و تعالی تنها انبیاء و رسولان را نصرت نمی‌دهد؛ بلکه مؤمنین صادق را نیز نصرت می‌دهد و این که نصرت الله سبحانه و تعالی تنها در آخرت نه، بلکه در دنیا نیز عائد حال مؤمنین خواهد شد. او تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾

[غافر: 51]

ترجمه: در حقیقت ما فرستاده‌گان خود و کسانی را که گرویده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند، قطعاً یاری می‌کنیم.

آن روز، مسلمانان شادمان از نصرت الله سبحانه و تعالی بوده و آنانی که جنایت کرده‌اند، در دنیا طعم تلخ ذلت را چشیده و در آخرت با عذاب دردناک الهی مواجه خواهند شد، زیرا الله سبحانه و تعالی انتقام گیرنده‌ای جبار، عزیز و مقتدر است.

حزب التحریر

18 رجب 1439 هـ.ق

5 اپریل 2018 م